

## دريچه

## داستان توسعه در ایران

● در بهار سال جاری کتابی به بازار نشر عرضه شد که تصویری از فعالیت دولت‌های ایران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، از امیرکبیر تا پایان رژیم پهلوی در امر توسعه را نشان می‌دهد. این کتاب، دفتر نخست از یک مجموعه چندجلدی است. گروه مهندسی خرد، در یک اقدام پسندیده، گروهی از نخبگان آشنا به امور اقتصاد، سیاست و توسعه را در اتاق فکر خود گرد آورد تا به بررسی موضوع توسعه در ایران از گذشته تا امروز بپردازند و از جمع‌بندی آن، با نگرشی جامع به آینده، پیشنهادهای خود را عرضه کنند. این گروه اندیشمند نیز چنین کردند و با پژوهشی درخور توجه، به تهیه یک متن قابل‌استفاده همت کردند. کتاب «داستان توسعه در ایران، از صدارت امیرکبیر (۱۲۲۷) تا پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۵۷)» که بخشی از این پژوهش گروهی را در اختیار علاقه‌مندان می‌گذارد، نگاهی دارد به تاریخ سازندگی کشورمان در دوران معاصر ایران. این کتاب با پیشگفتاری از گروه مهندسی خرد و مقدمه‌ای از دکتر محمدابراهیم محبوب‌آغاز و در هفت فصل با عناوین: «نخستین نشانه‌های توسعه»، «شکل‌گیری و زیرساخت‌های اولیه توسعه»، «ورود به اقتصاد برنامه‌ریزی‌شده»، «تثبیت برنامه‌ریزی و ورود به دنیای صنعتی»، «ورود تکنوکرات‌ها به عرصه توسعه»، «اوج توسعه و شکوفایی اقتصاد» و «بلندپروازی و انفجار»، به عرضه تتبعات اعضای اتاق فکر فوق‌الذکر تبدیل شده است.

دفتر نخست «داستان توسعه در ایران»

را انتشارات لوح فکر در ۴۲۵ صفحه، با جلد

کالیبکور و بهای ۳۸ هزار تومان به دست اهل مطالعه رسانده است.

## امیر جدیدی بازیگر نقش «غلامرضا تختی» شد



● فیلم سینمایی «غلامرضا تختی» به کارگردانی بهرام توکلی و تهیه‌کنندگی سعید ملکان با دریافت پروانه ساخت و تکمیل عوامل پشت صحنه وارد مرحله پیش‌تولید شد. امیر جدیدی نخستین بازیگری است که حضورش در این فیلم سینمایی قطعی شده و نقش «غلامرضا تختی» را ایفا خواهد کرد و دیگر بازیگران نیز به‌زودی معرفی خواهند شد.

## با استقبال بزرگان

## اجرای ویژه «سراشیز...»

● گروه هنر: نمایش «سراشیز پیشنهاد می‌کند» که به کارگردانی شهاب‌الدین حسین‌پور، امروز در قالب اجرای ویژه روی صحنه می‌رود. آخرین اثر گروه تئاتر «کاربنیک» به کارگردانی شهاب‌الدین حسین‌پور و تهیه‌کنندگی ایرج رحمانی که این روزها در تالار ایوان شمس به صحنه می‌رود، به دلیل استقبال مخاطبان، امروز، نیز به صحنه می‌رود.

نمایش «سراشیز پیشنهاد می‌کند» که محمدامیر یاراحمدی بازنویسی و دراماتوزی آن را برعهده دارد، این روزها با حضور شهرام قائدی، رامین ناصر نصیر، آرش فلاح‌پیشه و مهدی فریضه در تالار ایوان شمس به صحنه می‌رود.

«سراشیز پیشنهاد می‌کند» تاکنون میزبان چهره‌ها و هنرمندانی مانند امین تارخ، منیژه محامدی، مانده طهماسبی، رؤیا تیموریان، مسعود رایگان، مهرانه مهین‌ترابی، هاید حائری، شمس‌انگرودی، علیرضا خمسه، همایون ارشادی، بابک شعاعی، شمس صادقی، محسن قاضی‌مرادی، دکتر کاظم جلالی، دکتر شجاع‌پوریان، محمدرضا زاله، سرکنوگر اسپانیا، گلچهره سجادی، رضا میرکریمی، امیرشهاب رضویان، عادل بزوده، شقایق فراہانی، فردوس حاجیان، جواد یحیوی، مهوش افشارپناه، سام قربیان، کیهان ملکی، شیرین بینا، نگین صدق‌گویا، آزاده اسماعیل‌خانی، فریده دریا‌مجد، نیما شعبان‌نژاد، مهسا مهجور، حسن وارسته، فریا کوثری، علی زکان، مهرداد نظری، افشین صادقی، رامونا شاه، کاوه مهدوی، علی جناب، مهدی آل‌آقا، محسن قزایی، آناهیتا همتی، مارال فرجاد، سورش جمشیدی، ساقی زینتی، صبا کمائی، حمید فروهر، محمد اسکندری، داریوش پیرو، حسن ریوندی، علی قصیری، سارا رسول‌زاده، نایید مسلمی، شیدا خلیق، جلیل فرجاد، عبدالله عبدی‌نسب و... شده است.

این نمایش هر شب ساعت ۲۱:۳۰ در تالار ایوان شمس، واقع در بزرگراه جلال آل‌احمد، ابتدای بزرگراه کردستان به صحنه می‌رود. علاقه‌مندان می‌توانند با مراجعه به سایت اینترنتی tik8 بلیت این نمایش را تهیه کنند.

**ابراهیم طلعتی‌نژاد:** نمایش آبلوموف، اقتباسی از رمانی به همین نام است که این روزها در ایران‌شهر روی صحنه نمایش رفته است؛ نمایشی که با توجه به روایت درون‌متنی رمان اقتباسی خوب و قابل‌تأمل است، هرچند این اقتباس در روایت صحنه تمامیت خود را مدیون شاکله کلی رمان است، اما کارگردان این نمایش روایت صحنه‌ای خود را با توجه به رمان به سمت روایتی با ریتمی قابل‌قبول برده است. هرچند ایسن روایت از رخوت موجود در کاراکتر آبلوموف در کردار و نوع زندگی به دور است، اما روایت صحنه در تناقضی جالب با برخورداری از رخداد‌های درون‌متنی رمان به فضایی طنزگونه می‌رسد که بار دیالوگ‌ها را نیز به درستی به منزل می‌رساند که مخاطب، گفتارهایی را که در خود چندان تازگی ندارند، در فضا و شرایط موجود نمایش به‌گونه‌ای به دور از خسته‌شدن و درافتادن به تکرار پیدیرد.

با توجه به نوع پرداخت صحنه‌ای رویدادها در به‌کارگیری نقش‌های دیگر نمایش و تقابل میان آنها و ایجاد فضایی با درون‌مایه‌ای انیزودیته که پوچی حاکم بر فضا را به نمایش می‌گذارد، تخیل آبلوموف و تبلیی او را در عدم حرکت در به‌ثمر‌رسیدن این تخیل‌های مفید به نمایش بگذارد. هرچند این اقتباس به‌نوعی به اطلاع کلام و طولانی‌شدن نمایش می‌انجامد و ریتم صحنه‌ای را در جاهایی به کندی می‌کشاند، اما همواره فضای موجود در نمایش هستی‌نمایشگرانه خود را مبتنی‌بر رخداد‌های صحنه با تکیه بر هسته اصلی رمان که همان

فضای رخوتناک هستی آبلوموف است به پیش می‌برد. جامعه‌ای کوچک که انسان در آن به اصالت انسانی خود حمله‌ور می‌شود و توانایی درک صحیح آن را حتی در صورت داشتن به بعد و به دیگران وامی‌گذارد. آبلوموف همواره زن، دوست و عشق را به تجربه رخوتناک خود تبدیل می‌کند تا در این تبدیل و تعریف گروتسک‌گونه مخاطب با سؤال‌هایی خود را روبرو ببیند که این فضای دورانی بیهوده را در پیش‌روی او قرار می‌دهد. او در اندیشه و تخیل خود شهری را تجسم می‌کند که در آن مردم با رفاه و امنیت و به خوبی در کنار هم زندگی می‌کنند و شرایط به‌وجودآوردن آن را نیز طراحی کرده است،

نگاهی به نمایش آبلوموف؛ نویسنده و کارگردان: سیاوش بهادری‌راد

# از سرتنبلی یابی حرکت



اما به‌واسطه تنبلیی و رخوت برای رسیدن به این آرزو عملی صورت نمی‌دهد. این رخوت که در ادامه رمان و نمایش به سقوط درونی روح هستی‌بخش انسان می‌رسد، به‌نوعی در بلاهت او در عشق‌ورزی و امی‌گذارد. آبلوموف همواره زن، دوست و عشق را زحمتی می‌داند که بدبختی همیشگی به دنبال دارد، هرچند عشق نیز به زحمت و رنج و وابستگی و شهامت نیاز دارد، اما آبلوموف که لذت را در خوابیدن و خوردن می‌بیند، به انسانی تبیل تبدیل می‌شود که به میهمانی و خوش‌گذرانی که جز خوردن و لذت‌بردن نیست و در راستای شرایط و نگرش او به زندگی است نیز مایل نیست، او درعین‌حال میهمانی‌ها را

## گفت‌وگو با شیرین اسماعیلی به بهانه حضور در نمایش دودمان

## به قدرت هنر واقفم



که در این حوزه‌ها کار می‌کند و شاید بیشتر برای بازیگری که مکنی به متن است...

بله به این دلیل که قدم اول، فیلم‌نامه یا نمایش‌نامه است. وقتی می‌بینی همه‌چیز خنثی است به این می‌اندیشی که هنری که به آدم اندیشیدن نبخشد پس چه کاری انجام می‌دهد؟ نه‌تنها در بخش بازیگری، بلکه در همه حوزه‌ها.

**کمی اختصاصی‌تر از نمایش «دودمان» صحبت کنیم. تا پیش از این عمده فعالیت‌های در حوزه تصویر بود و حس می‌کردم قرار است این روند ادامه‌دار شود و فاصله بیشتری از تئاتر بگیری، اما این‌بار با نمایشی روی صحنه رفتی که جدا از انتخاب‌های گذشته‌ات نبود و مخاطب بسیاری را با خود همراه کرد. چطور اتفاق افتاد؟**

یک هفته پیش از عید، محسن قزایی که ما چندین‌بار با هم کارهای مشترک انجام داده‌ایم، به من لطف داشت و نمایش‌نامه «دودمان» را به من داد تا بخوانم. محسن قزایی از نظر من آرتیست و پیش‌بینی‌هایش در مورد بسیاری از اتفاقات درست است؛ مثل اینکه پیش از اجرای نمایش حدس می‌زد نمایش خوبی خواهد شد. بعد که نمایش‌نامه را خواندم، یقین پیدا کردم که نمایش موافی خواهد شد. همه شخصیت‌های داستان خوب بودند و قصه را دوست داشتم. بنابراین تصمیم گرفتم کار کنم. **ظاهر نمایش نسبت به چیزی که در گذشته در شهرستان روی صحنه رفته بود، تغییراتی**

موجب فساد می‌بیند و آدم‌های موجود در آن را آدم‌های بیخود و بی‌هویتی می‌بیند که به‌جز لودگی کاری از آنها برنمی‌آید. این‌گونه سخن‌گفتن، آن هم از طرف آبلوموف نسبت به آدم‌هایی که اطراف او قرار دارند و حتی دوستانش نیز هستند، به نوعی یادآور دنیایی ازهم‌گسیخته و به‌رخوت‌نشسته‌ای است که خود آبلوموف به نمایش گذاشته می‌شود تا در این تعبیر هوشمندانه در عین پذیرفتن گفته آبلوموف او را نماد شایسته‌ای از جامعه فرو ریخته و تبیل بدانیم که با وجود آگاهی به نداشته‌های خود، از تبیلی به بی‌عرضگی حقاقت‌باری می‌رسد که هرگز جز در تخیلاتش به ویرانه‌ای جز توهم خویش نخواهد رسید و همواره در این توهم خودخواسته دست‌وپا خواهد زد. او نه تن به سفر می‌دهد که در این میان تقابل با انسان متفاوت و محیط بیرونی و شرایط آن بر او تأثیر بگذارد و نه تن به عشق که به‌واسطه حرکت درونی‌ای خود انسان را برای تعهدی مقدس مهیا می‌کند و روزنه‌ای برای تابیدن نوری هستی‌بخش به دنیای غبارآلود و تاریک او است. به‌هررو نمایش آبلوموف با توجه به رمانی که از آن اقتباس شده است به دنبال بهره‌ای اندیشمندانه در متن اقتباسی و در رویکرد صحنه‌ای است و می‌توان با دیدن آن به سؤال‌هایی رسید که همواره در زندگی امروز انسان اجتماعی کنونی با آن مواجه است و نمایش در به‌ثمر‌رساندن محتوای انسانی رمان روی صحنه موفق بوده است.

شوخ‌ی و خنده‌های افراد خانواده کمی شریک می‌شود.

**البته به نظرم لهجه کرمانی شیرینی دارد که گرما و صمیمیت بین اعضای خانواده را هم بیشتر نشان می‌داد. چقدر برای تمرین لهجه زمان گذاشتید؟**

یک ماه برای لهجه زمان گذاشتیم. با اینکه قبلاً چنین تجربه‌ای داشتم، اما برای ایسن نمایش کار سختی بود. لهجه کرمانی به نظرم کمی پیچیده است، انگار هم شیرازی است و هم نیست یا هم آبادانی است و هم نیست؛ ترکیب همه اینها هست، ولی ویژگی خودش را دارد. یک ماه این لهجه تمرین شد، نه صرفاً دیالوگ‌ها، بلکه قرار شد لحظات تمرین را هم کرمانی زندگی کنیم. وقتی قبل از اجرا وارد سالن تئاتر می‌شوم، ناخودآگاه با لهجه کرمانی صحبت می‌کنم، چون دوست داشتم نمایش را کرمانی زندگی کنم و خوشبختانه این اتفاق افتاد. **تصور می‌کنم بسیاری با من هم‌قنیده باشند که ریتم مناسب نمایش باعث می‌شود حس کنی چقدر زود زمان نمایش به پایان می‌رسد و چقدر با شخصیت‌ها و قصه همراه شوی...**

بله این نظر را از برخی دیگر از کسانی که به دیدن نمایش آمده‌اند شنیده‌ام. گویش کرمانی خیلی تندوتیز است و من اوایل در تمرین حس می‌کردم فرزاد باقری زیادی روی ریتم تند کار تمرکز کرده است، اما الان در اجرا می‌بینم همه‌چیز درست بوده و او این را پیش‌بینی می‌کرده و الان که لحظات متفاوتی در اجرا کشف شده با ریتم بسیار هماهنگ است. گرمای روابط خانواده‌ای کرمانی به‌خوبی در نمایش دیده می‌شود. این نکته‌ای است که از بسیاری از مخاطبان شنیده‌ام. جالب است با اینکه تا‌به‌حال کرمان نرفته‌ام، اما به‌شدت این لهجه و شیرینی آن را دوست دارم و برایم جذاب است. **کمی ابتدای شروع نمایش چهره‌های بسیاری به دیدن آن آمدند و نظرات متفاوتی داشتند. درمجموع انتظاری که از نمایش داشتی برآورده شد؟**

چیزی که برایم خوشایند بود این بود که آدم‌هایی از همه طیف‌ها نمایش را دیدند و نظر دادند؛ آقای ناظرزاده‌کرمانی، نغمه نمینی، حبیب رضایی، امیر جدیدی، طناز طباطبایی، جواد عزتی، رضایی‌راد و... همگی خوشنود از سالن بیرون رفتند، طبعاً من هم از بازخورد‌های نمایش خوشحالم.

سیمین در جدایی و شام‌پختن رعنا در فروشنده را نیز در نظر آورد.

در پایان باید گفت اگرچه فرهادی همواره کوشیده پای خود را از قضاوت بیرون بکشد و این اخلاق حسنه را به مخاطب هم توصیه می‌کند؛ ولی آنچه از سیر فیلم‌های جدایی، گذشته و فروشنده به دست می‌آید، آن است که زنی قصد مهاجرت دارد (جدایی)، مردی مهاجرت کرده است و دوام نیاورده (گذشته) و زن و مردی مانده‌اند و با مکافات فرهنگی و اجتماعی روبه‌رو شده‌اند.

من، سیمین جدایی، احمد گذشته و رعنا فروشنده را یکی می‌دانم و همچنین پدربزرگ فیلم جدایی، همسر به‌کم‌رفته سمیر در گذشته و سرد متجاوز فروشنده را در یک گروه طبقه‌بندی می‌کنم. این یعنی پیش‌بینی فرهادی برای بی‌توجهی یک اجتماع به بنیان‌های اخلاقی و فرهنگی، خواه این بی‌توجهی پاریس باشد، خواه تهران، نتیجه‌ای جز کم‌ندارد.

### زیر آسمان فیروزهای

### درماه مبارک رمضان

## گالری ایده میزبان خطنقاشی‌های آسمانی می‌شود

● گروه هنر: نمایشگاه گروهی خطنقاشی «خط و معنا» به مناسبت ایام ماه مبارک رمضان در گالری ایده افتتاح شد. نمایشگاه گروهی خطنقاشی «خط و معنا» به مناسبت ماه مبارک رمضان، با مجموعه‌ای از آثار جمعی از هنرمندان این عرصه با موضوع اسما خداوند روز جمعه، چهارم خرداد، در گالری ایده افتتاح شد. در این نمایشگاه که به همت مؤسسه فرهنگی، هنری ایده برگزار شده، با کیورتوری اهورا محمدی، آثار هنرمندانی مانند محسن دانی‌نبی، مهرداد شوقی، حسین نوروزی، مهدی محمدی، علیرضا جوادی، خلیل کونیک، محسن کریمی، رایکا میلانیان و ساناز البرزی در معرض دید علاقه‌مندان به هنر خطنقاشی قرار خواهد گرفت. در استیمتت این نمایشگاه آمده است: خوشنویسی هنری است تنیده در نوشتار و حروف، زمانی خوشنویس آیات قرآن، اشعار و سخن بزرگان را بر صفحات کتاب تک‌نسخه‌ای در کنار نقاش و تذهیب‌کار می‌نگاشت تا بر ارزش آن کلمات صد چندان بیفزاید.خوشنویس کلمات را به زیباترین شکل می‌نوشت تا ماندگار شود، اما در دوران به‌اصطلاح مدرن، سنت و مدرنیته در تقابل با هم قرار گرفتند.هنر سنتی قاعده‌گرا بود و تغییر ساختارِشکانه را برنمی‌تافت و هنر مدرن خط را به‌عنوان یک عنصر بصری می‌نگریست و می‌شکست قاعده‌ها را...خط و خوشنویسی البته در سیاه‌مشق‌ها خود را از معنا و خوانایی جدا کرده بود و زیبایی بصری جایگزین شد، ولی حتی در سیاه‌مشق هم قاعده‌رعایت می‌شد.اما خط و معنای مدرن می‌خواست قالب را بشکند و این در تناقض با سنت بود... شکستن آغاز تغییر بود، ولی هر شکستی زیبا نیست و چیش جدید تفکری نو می‌طلبد.خط و معنا با نگاه نو بهانه این نمایشگاه است.هرچند این راه بیش از پنج دهه است آغاز شده و آنان که تفکر نو را درک کرده‌اند، ماندگارند.نمایشگاه «خط و معنا» از روز جمعه، چهارم خرداد ۱۳۹۷ تا پنجشنبه، ۱۰ خرداد، در محل گالری ایده به نشانی خیابان کریمخان زند، خرمند شمالی، خیابان هجدهم، پلاک ۲۶ میزبان علاقه‌مندان به آثار هنری است.

### تعطیلی مولوی و ایرانشهر

## اجرای مکتب زار ورؤیای آمریکایی

● گروه هنر: اجرای «مکتب زار» خردادماه در تالار شهرزاد، تغییر ساعت «رؤیای آمریکایی» و تعطیلی تالارهای مولوی و ایران‌شهر در شب وفات حضرت خدیجه از جمله اخبار مرتبط با تئاتر این روزهاست. **مکتب‌زار در شهرزاد:** ابراهیم پشت‌کوهی با «مکتب زار» به پردیس تئاتر شهرزاد می‌آید. ابراهیم‌پشت‌کوهی نمایش «مکتب زار» را بر اساس قدیمی‌ترین نسخه مکتب، نوشته ویلیام شکسپیر، با تلفیقی از مراسم زار، خردادماه در پردیس تئاتر شهرزاد روی صحنه می‌برد. «مکتب زار» چند موفقیت بین‌المللی از جمله اثر برگزیده شب‌های مسکو، نمایش تقدیرشده در جشنواره مونبخ، شرکت در جشنواره آوینیون فرانسه و اجرا در انستیتو تئاتر گیتس مسکو داشته و اجرا شده است. «مکتب زار» به تهیه‌کنندگی سولماز همت‌زاده، در شهرهای امل، شهرکرد، یزد و بندرعباس روی صحنه رفته و در بخش تجربه‌های نوی جشنواره تئاتر به‌عنوان اثر برگزیده شناخته شده است.

**تغییر ساعت اجرای نمایش «رؤیای آمریکایی»:**

نمایش «رؤیای آمریکایی» به کارگردانی آیلین کبخایی، روز پنجشنبه، سوم خرداد، ساعت ۱۶ روی صحنه رفت. ساعت اجرای نمایش «رؤیای آمریکایی» به کارگردانی آیلین کبخایی در تالار قشقایی در روز پنجشنبه، سوم خرداد، تغییر کرد؛ این نمایش در تاریخ پادشده به‌جای ساعت ۲۰:۴۵، ساعت ۱۶ میزبان مخاطبان خود در تالار قشقایی خواهد بود. هم‌اکنون نمایش‌های «مالی سویی» به کارگردانی مرتضی میرمنظمی در تالار اصلی، «پرواز به تاریکی» به کارگردانی افشین هاشمی در تالار چهارسو، «لولیتا» به کارگردانی بهنام احمدی، «تئاتر بازی» به کارگردانی الیاز شعبانی در تالار سایه، «رؤیای آمریکایی» به کارگردانی آیلین کبخایی و «نوبت یعنی بعدی» به کارگردانی مرتضی شاه‌کرم در تالار قشقایی و «راس ساعت یازده» به کارگردانی محمد نژاد در پلاتو اجرای مجموعه تئاتر شهر روی صحنه هستند.

**تعطیلی مولوی:** اجرای تالار مولوی نیز به دلیل مصادف‌شدن با سالاروز وفات حضرت خدیجه(س)،

جمعه‌شب، چهارم خرداد، تعطیل شد. اجرای نمایش‌های «مانو‌بودن» به کارگردانی حامد سلیمان‌زاده، «پرماع» به کارگردانی مریم محمدی و «مده» به کارگردانی ناهید حاجی‌محمدی از روز یکشنبه، ششم خرداد، از سر گرفته خواهد شد.

**تعطیلی‌های ایران‌شهر:** به مناسبت فرارسیدن سالروز وفات اَم‌المؤمنین، حضرت خدیجه کبری (س) نمایش‌های «جوجه‌تیغی» به کارگردانی بهرام افشاری و «ابلوموف» به کارگردانی سیاوش بهادری‌راد، روز جمعه، چهارم خرداد و نمایش‌های «خاطرات هنرپیشه نقش دوم» به کارگردانی افشین زمانی و «آنتی‌کون» به کارگردانی علی رضایی‌امروز به صحنه نمی‌روند.نمایش‌های «خاطرات هنرپیشه نقش دوم» و «آنتی‌گون» روز جمعه، چهارم خرداد، پیش از اذان مغرب و نمایش‌های «جوجه‌تیغی» و «ابلوموف» روز شنبه، پنجم خرداد، بعد از اذان مغرب در این مجموعه تئاتری به صحنه می‌روند.